فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۹(۱(پیاپی ۳۳))، ۱۲۴-۱۰۵
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran،
Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰

فصلنامه علمی
اقتصاد و مدیریت شهری

شناسایی عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌های غیردولتی

داود ملکی* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
عبدالرحیم نوه‌ابراهیم استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
بیژن عبدالهی دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
حسن‌رضا زین‌آبادی دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت: ۹۸/۱۰/۱۴ **پذیرش:** ۹۹/۰۳/۰۷

چکیده: امروزه آموزش و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری بلندمدتی است که بدون آن اقتصاد ناپایدار خواهد ماند. آموزش عالی، معرف نوعی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم کردن و ارتقا بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها، به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. تأمین نیروی انسانی کارآمد با افزایش کارایی و بهره‌وری افراد و از سوی دیگر با گسترش مرزهای دانش و فن و پیش بردن فناوری از قبیل مسئولیت پرورش نیروی انسانی و افزایش بهره و کارایی در سطوح بالای تخصصی بر عهده دانشگاه‌هاست. از این رو دانشگاه در توسعه و رشد اقتصادی نقش زیربنایی دارد؛ زیرا آموزش عالی از طریق ایجاد مهارت و تخصص در افراد و بهبود قوه تشخیص آنان، باعث ارتقای سطح بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود. در دهه‌های اخیر، نظام آموزش عالی ایران با معضلات فراوانی مواجه بوده است؛ از این رو پژوهش حاضر، بر آن است که عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌های غیردولتی را شناسایی و اعتباریابی کند. داده‌های این مطالعه، در بخش کیفی حاصل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از مدیران ارشد و میانی مشغول در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران بود که با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. در تحلیل داده‌ها، روش مرحله‌ای و تکنیک‌های تحلیلی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۲) مورد استفاده قرار گرفت. بعد از مشخص شدن مقوله مرکزی (پاسخگویی به ذی‌نفعان) و استفاده از آن به منظور نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارات و ایده‌هایی که بیانگر روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بودند، در نهایت شش مقوله اصلی به عنوان عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه شناسایی شدند که عبارتند از: ۱- علم‌گرایی ۲- منابع انسانی ۳- ایجاد انگیزه در دانشگاه ۴- توسعه بر مبنای نیازسنجی ۵- روند یاددهی- یادگیری ۶- ارزیابی کیفیت دانشگاه. به منظور اعتبارسنجی الگوی پاسخگویی به‌دست آمده از مرحله کیفی، پرسشنامه‌ای تنظیم و پاسخ ۱۴۶ نفر از دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری دانشگاه آزاد اسلامی مستقر در استان تهران دریافت شد. داده‌های کمّی در قالب تحلیل توصیفی داده‌ها، تحلیل عاملی مرحله اول و دوم با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Amos23 تجزیه‌وتحلیل شدند. یافته‌های پژوهش بر روابط میان مقوله محوری و عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی، حکایت داشتند و نتایج آزمون الگو در مرحله کمّی، کلیت مدل مفهومی را مورد تأیید قرار داد.

واژگان کلیدی: پاسخگویی، بهره‌وری، دانشگاه‌های غیردولتی، نظریه داده‌بنیاد

طبقه‌بندی JEL: A21, O47, P42, C44

* نویسنده مسئول: edu_maleki@yahoo.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

۱- مقدمه

امروزه، بهره‌وری، فراتر از یک معیار و شاخص اقتصادی است و به‌عنوان یک رویکرد جامع، فرهنگ و نگرش نظام‌گرا و یک کل مرکب از همه اجزا مطرح است، به‌طوری که می‌تواند هر یک از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، سازمان یا افراد را تحت‌تأثیر متقابل قرار دهد. بهره‌وری، معیاری برای ارزیابی عملکرد فعالیت‌ها و تلاش‌ها در بخش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی است. بهره‌وری در سازمان به عنوان عامل تعیین‌کننده حقوق و دستمزد، قیمت و دیگر عوامل تولید به‌شمار می‌آید و نسبت‌های بهره‌وری برای مدیریت به عنوان یک وسیله کنترل در فرایند تولید استفاده می‌شود و همچنین از آن به عنوان یک معیار مقایسه بین عملکردهای مؤسسات نیز استفاده می‌گردد (کیانی و رادفر، ۱۳۹۴).

در دهه‌های اخیر، رشد اقتصادی در اقتصاد دانش، تولید دانش جدید (از طریق پژوهش)، انتقال آن (از طریق آموزش و مهارت‌آموزی)، انتشار آن (از طریق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات) و استفاده آن (از طریق نوآوری تکنولوژیک) است. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در انجام این فرایندها در سه حوزه پژوهش، بهره‌برداری از نتایج آن از طریق همکاری صنعتی و شرکت‌های زایشی، آموزش و مهارت‌آموزی، به‌ویژه ایجاد سرمایه انسانی نقش قابل‌توجهی ایفا می‌کنند (جعفری و احمدی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، دانشگاه‌ها به واسطه ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی در تولید و توزیع علم و دانش، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند (دباغ، ۱۳۹۰).

گسترش سریع آموزش عالی در چند دهه گذشته و لزوم ارتقا و بهبود کارایی، مسئولیت‌پذیری سازمانی مؤسسات آموزش عالی برای پاسخ به تحولات محیطی، جامعه و اقتصاد دانایی‌محور و تقاضاهای متفاوت و متغیر ذی‌نفعان مانند دولت، تجارت، صنایع، سازمان‌های خدماتی، دانش‌آموزان و والدین و دیگر معضلات فراروی نظام‌های آموزش عالی در بسیاری از کشورها از جمله ایران، مؤسسات آموزش عالی را ملزم به استقرار تضمین کیفیت و بازاندیشی در ساختار، مأموریت، اهداف و وظایف خود کرده است؛ زیرا آموزش عالی، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که می‌تواند در بهبود و ارتقای کیفیت در همه مقاطع آموزشی نقش اساسی داشته باشد؛ کیفیتی که جوامع برای رشد و توسعه و نظام آموزش عالی به منظور پاسخگویی به انتظارات ذی‌نفعان و الزامات جامعه دانایی‌محور به آنها نیاز دارند (عارفی و خرسندی یامچی، ۱۳۹۱).

امروزه خصوصی‌سازی آموزش عالی به عنوان ابزاری برای کاهش فشار در حال رشد برای دسترسی به فرصت‌های آموزشی بیشتر و جبران ناتوانی دولت‌ها در پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و مزایای آن، موجب شده تا طی سه دهه اخیر بسیاری از کشورهای جهان برای برون‌رفت از مشکلات و تنگناهای خود بدان روی آورند. ولی علی‌رغم فراهم شدن تمهیدات لازم و رواج خصوصی‌سازی در آموزش عالی، کماکان فعالیت این بخش با معضلات مختلفی روبه‌رو است (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۶). دلایل متعددی برای توفیق نیافتن آموزش عالی و راهکارهایی مرتبط با این دلایل وجود دارد. اما اگر بخواهیم در پی اساسی‌ترین دلایل و مؤثرترین راهکارها باشیم، بدون شک عدم‌پاسخگویی نسبت به برون‌دادها و پیامدهای آموزش عالی، یکی از مهم‌ترین عوامل و پاسخگو بودن آن نیز از راهکارهایی است که می‌تواند تحولی بنیادی در رهسپار کردن آموزش عالی به سوی بهبود و توفیق ایجاد کند.

دانشگاه‌ها امروزه در سراسر جهان تحت‌تأثیر تغییرات ساختاری قابل‌توجهی قرار گرفته‌اند؛ زیرا آنها در حال سازگاری خود با نیازهای اقتصاد جهانی هستند. هم هنگام با اینکه مؤسسات آموزش عالی از طریق جهانی‌سازی به دنبال برآورده شدن نیازهای اقتصاد جهانی جدید می‌باشند، برای پاسخگویی و مشارکت مستقیم نیز با نگرانی‌های اجتماعی، اقتصادی محلی،

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

ملی و منطقه‌ای به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه مواجه شده‌اند که یکی از نگرانی‌های عمده در رابطه با پاسخگویی، کیفیت و کارایی مؤسسات آموزش عالی می‌باشد (کیخا و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به نقش اساسی دانشگاه‌های غیردولتی در برآورده کردن نیازهای جامعه و در عین حال معضلاتی که این دانشگاه‌ها با آنها روبه‌رو هستند، پاسخگویی به ذی‌نفعان، به عنوان نقطه کانونی دانشگاه، امری حیاتی است. اما چنین فرایندی چه عناصر و مؤلفه‌هایی را دربر می‌گیرد، از چه شرایطی تأثیر پذیرفته و چه نتایجی را به دنبال دارد؟ در همین راستا و بر اساس داده‌های حاصل از بررسی ادراکات و نگرش‌های متخصصان و صاحب‌نظران دانشگاهی، عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری بر اساس نظریه داده‌بنیاد[1] شکل می‌گیرد تا در نهایت دیدگاه روشن‌تری نسبت به تدوین الگوی پاسخگویی و بهره‌وری در دانشگاه‌های غیردولتی به دست دهد. با توجه به نکات ذکر شده، موضوع پژوهشی حاضر به دنبال ارائه پاسخ به سؤالات پژوهشی ذیل می‌باشد:

۱- پدیده اصلی در پاسخگویی اثربخش دانشگاه‌های غیردولتی کدام است؟

۲- عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌های غیردولتی کدامند؟

۳- ارتباط میان پدیده اصلی و عوامل علّی در پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌های غیردولتی چیست؟

۴- چه الگوی مفهومی را می‌توان برای تبیین عوامل علّی اثرگذار بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌های غیردولتی ترسیم نمود؟

۵- آیا الگوی طراحی شده از اعتبار کافی برخوردار است؟

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

مانس روسی[2] و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «پاسخگویی از طریق افشای سرمایه فکری در دانشگاه‌های ایتالیا»، به تجزیه‌وتحلیل تجربی از گزارش‌های سالانه دانشگاه‌های دولتی ایتالیا برای سال ۲۰۱۴ از طریق روش تحلیل محتوا پرداختند. نتایج نشان دادند که منابع انسانی و داخلی (سازمانی) آشکارترین مقولات سرمایه فکری است و استقلال هیئت‌مدیره و اندازه دانشگاه، تأثیر مثبتی بر پاسخگویی دانشگاه‌های عمومی ایتالیا دارد.

کایود و نیکر[3] (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی اثربخشی دانشگاه‌های دولتی نیجریه پرداختند. این مطالعه به صورت کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با هشت شرکت‌کننده از جمله معاون، رئیس دپارتمان‌ها و سخنرانانی که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند انجام شده است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که رهبری، مسائل دانشگاهی و اداری، موضوعات متنی و بودجه مهم ترین عوامل مؤثر بر اثربخشی دانشگاه‌های دولتی در نیجریه است.

اسپزیاله[4] (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «تفاوت پاسخگویی آموزش عالی در صحنه جهانی: مقایسه‌ای میان دانشگاه بوستون و دانشگاه بولونیا»، تأثیر جهانی شدن بر پاسخگویی آموزش عالی را تحلیل و بررسی کرده است. مقایسه میان دو دانشگاه نشان می‌دهد که تا حدی در پیچیدگی‌ها مشابه هستند اما در زمینه تاریخچه، سنت‌ها، محیط فرهنگی- اقتصادی و چارچوب‌های شکل‌گیری، بسیار متفاوت هستند.

رثچایلد[5] (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «سازوکارهای پاسخگویی در سیستم‌های چند پردیسه آموزش عالی»، با استفاده از روش پژوهش کمّی و کیفی، چهار سازوکار مهم جهت پاسخگویی تشخیص داده شد و سهم بالایی توسط رهبران مؤسسات هم در ایالت‌های با عملکرد پایین و هم در ایالت‌های با عملکرد بالا، برای آنها در نظر گرفته شده است که عبارتند از: برنامه‌ریزی

1- Grounded Theory
2- Manes-Rossi
3- Kayode and Naicker
4- Speziale
5- Rothchild

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

استراتژیک، بودجه ایالت، اعتبارسنجی مؤسسه و سیاست‌های سیستم.

ب) پژوهش‌های داخلی

میلانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی استقلال دانشگاه و نقش آن در پاسخگویی و تضمین کیفیت خدمات دانشگاه در سیستم آموزش عالی پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ می‌باشد. روش تحقیق توصیفی- پیمایشی است و ۲۱۹ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند، به پرسشنامه تحقیق پاسخ دادند. نتایج تحقیق نشان داد که دانشگاه از نظر استقلال دانشگاهی و پاسخگویی در وضعیت مطلوبی نمی‌باشد ولی از نظر تضمین کیفیت در حد متوسط می‌باشد و ارتباط معنی‌داری بین استقلال دانشگاهی با پاسخگوی و تضمین کیفیت مشاهده گردید و می‌تواند تا حدودی آن را پیش‌بینی کند.

شریعتی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به طراحی مدل ارتقای کیفیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای با استفاده از روش پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد نظریه داده‌بنیاد پرداختند. براساس نتایج به دست‌آمده این الگو، شرایط علّی شامل شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان، عوامل آموزشی و مدیریتی، شرایط زمینه‌ای مدل شامل بسترسازی فرهنگی و بسترسازی اقتصادی، عوامل مداخله‌گر شامل عوامل بین‌المللی و تکنولوژیکی، راهبردها شامل برون‌سپاری، توانمندسازی، توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی و دارای پیامدهای از قبیل رشد اقتصادی، بهبود عوامل آموزشی و توسعه اجتماعی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان دادند اگر راهبردهای ارتقای کیفیت در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌درستی اجرا شود، می‌توان انتظار پیامدهای مثبت را در سطوح مختلف اعم از بخش‌های مختلف اقتصادی، آموزشی و اجتماعی را داشت. در بخش اقتصادی، داشتن نیروی انسانی کارآمد و خلاق، یکی از پارامترهای مهم سرمایه‌گذاران خارجی در داخل کشور است؛ بنابراین با ارتقای سطح کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فرایند سرمایه‌گذاری در کشور تسهیل می‌شود.

عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به اکتشاف راهبردهای پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی پرداختند. داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر از اساتید و صاحب‌نظران مشغول در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند، به دست آمد. در تحلیل داده‌ها، از روش مرحله‌ای و تکنیک‌های تحلیلی اشتراوس و کوربین[1] استفاده شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، شش مقوله اصلی را به‌عنوان راهبردهای پاسخگو نمودن دانشگاه‌های دولتی نشان دادند که عبارتند از: ۱- استقلال دانشگاهی (عدم‌دخالت و تصدی‌گری دولتی، واگذاری اختیارات به دانشگاه، استقلال دانشگاه، آزادی علمی) ۲- مشارکت (دانشجویان در امور دانشگاه، اساتید در امور دانشگاه، دانشگاهیان در امور جامعه، ذی‌نفعان بیرونی در امور دانشگاه) ۳- تعاملات علمی- کاربردی (با صنعت، با سایر مؤسسات آموزشی، با سایر بخش‌ها و تعاملات پژوهشی) ۴- بین‌المللی شدن دانشگاه ۵-کاربردپذیری ۶- تأمین و تخصیص منابع.

صدقی‌بوکانی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت و بهره‌وری مراکز و واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۲ پرداختند. برای انجام این پژوهش از روش پیمایشی استفاده و داده‌ها با بهره‌گیری از پرسشنامه محقق‌ساخته ۵۰ سؤالی بر اساس اهداف و مؤلفه‌های کیفیت در مراکز آموزش عالی، گردآوری شدند. نتایج نشان دادند که عوامل آموزشی- فرهنگی، عوامل مدیریتی و ساختاری، عوامل دانشجویی و عوامل پژوهشی، به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر هستند.

1- Strauss and Corbin

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

لطفی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری دانشگاه‌ها با استفاده از روش تصمیم‌گیری گروهی پرداخت. نتایج نشان دادند گروه عوامل آموزشی داخلی کیفی مؤثر بر برنامه‌ریزی بهبود بهره‌وری دانشگاه‌ها، از اهمیت بسیار زیادی نسبت به سایر عوامل برخوردار است. در این تحقیق، کیفیت مدیریت دانشگاه، دانشکده و گروه‌های آموزشی، از نظر کارشناسان این تحقیق، حائز رتبه اول و اهمیت نسبی بسیار بالا گردیده‌اند. وضعیت کیفی اعضای هیئت علمی دانشگاه مانند توان علمی و مرتبه علمی و میزان ارتباط اعضای هیئت‌علمی با تازه‌های علمی دارای رتبه دوم و پس از مدیریت دانشگاه مهم‌ترین عامل آموزشی مؤثر بر بهبود بهره‌وری دانشگاه‌ها تعیین شده است. وضعیت بورسیه و فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیئت علمی نیز که رتبه پنجم را کسب نموده و از دیگر جوانب کیفی وضعیت استادان است که از نظر کارشناسان دارای اهمیت نسبی زیاد بوده است. میزان حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی و حق‌التدریس و امکانات رفاهی آنها که یک عامل کمّی و در گروه عوامل کمّی داخلی قرار گرفته است نیز از اهمیت نسبی بسیار بالا و از رتبه چهارم برخوردار شده است. مهم‌ترین ورودی به سیستم دانشگاه، دانشجویان پذیرفته شده و توان علمی و میزان علاقمندی آنها به فراگیری و جدیت در تحصیل است که در این تحقیق این عامل پس از مدیریت و اعضای هیئت علمی، مهم‌ترین عامل آموزش مؤثر بر بهبود بهره‌وری تعیین شده است.

۳- مبانی نظری

افزایش بهره‌وری و تعیین عوامل و شاخص‌های مؤثر بر آن در قرن بیست‌ویکم، از مهم‌ترین چالش‌های سازمان است. پیشینه بهره‌وری به عامل اقتصاد باز می‌گردد و برخی از صاحب‌نظران آن را به مفهوم قدرت و توانایی تولید تعریف کرده‌اند. بهره‌وری نه تنها به عنوان متغیری برای سنجش عملکردها مطرح است بلکه تعیین عوامل مؤثر بر آن شرط لاز برای توسعه در ابعاد مختلف است (خورشیدی و همکاران، ۱۳۸۷). بهره‌وری، موضوعی است که بیش از یک قرن به عنوان شاخصی کارا و ارزشمند جهت رشد و توسعه به کار می‌رود و طی این مدت بر اهمیت و اعتبار آن افزوده شده است. به ویژه در دهه‌های اخیر، از یک پدیده زودگذر، به یک مسئله با ارزش در تمام سطوح فردی، اجتماعی، سازمانی، تولیدی، صنعتی و خدماتی تبدیل شده است؛ به‌طوری که امروزه در بسیاری از کشورها، بهره‌وری یک فرهنگ و آرمان محسوب می‌شود (لطفی، ۱۳۸۹). با این وجود بهره‌وری و پاسخگویی در دانشگاه، موضوعی است که در حوزه کیفیت‌سنجی مطرح شده و رشد یافته است. در مجموع با توجه به اهمیت موضوع بهره‌وری و پاسخگویی دانشگاه‌ها متناسب با نیاز ذی‌نفعان در جامعه، شناسایی و ارزیابی عوامل اثرگذار در این حوزه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا، دولت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات پژوهشی برای بهینه‌سازی تخصیص منابع به دانشگاه‌ها، جهت‌دهی به برنامه‌های دانشگاه‌ها و توجیه منطقی وجود و توسعه آنها و تجدید ساختار دانشگاه‌ها در حوزه‌های خاص، به ارزیابی نظام‌یافته عوامل اثرگذار بر بهره‌وری و پاسخگویی دانشگاه‌ها می‌پردازند.

یکی از راه‌های ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها، ارزیابی و سنجش پاسخگویی و بهره‌وری آنها است و اینکه پاسخگویی و بهره‌وری در طول زمان چه تغییر کرده و این تغییر به چه دلیل بوده است. با کمک شاخص‌های عملکردی می‌توان عملکردهای خاص، ایده‌های نظری، هنجارها، هدف‌های تعیین شده، عملکرد گذشته و نیز وضع موجود و مطلوب دانشگاه‌ها را بررسی نمود و با معیارهای مطلوب مقایسه کرد. برخی از این شاخص‌ها عبارتند از: مقالات علمی- پژوهشی، ثبت اختراع، بودجه تحقیقات، تعداد قبولی در کارشناسی ارشد و دکتری، کتب تألیفی، سهم نسبی دانشیاری و استادی اعضای هیئت علمی، سرانه بودجه جاری دانشجو، رایانه‌های

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

متصل به اینترنت، طرح‌های تحقیقاتی اعضای هیئت علمی و سرانه فضای آموزشی (اکبری، ۱۳۸۹).

در خصوص آموزش عالی، لویله[1] پاسخگویی را این گونه تعریف می‌کند: روشی سیستماتیک برای حصول اطمینان از اینکه عناصر درونی و بیرونی مؤسسات آموزش عالی در راستای اهداف قصد شده قرار دارند (Speziale, 2012). استنزاکر و هاروی[2] (۲۰۱۰) متذکر شده‌اند که امروزه دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان به طور فزاینده‌ای این مطالبه را دارند که آیا آموزش عالی به طور اثربخشی عمل می‌کند؟ اعم از اینکه آیا این بخش یک ابزار محرک برای اقتصاد است؟ آیا دانشجویان طی دوره تحصیل به حد کافی یاد می‌گیرند و آیا دانشگاه‌ها و کالج‌ها می‌توانند اهداف ملی مدرنیزه شدن و نوآوری را در جوامعشان محقق کنند.

بورک[3] (۲۰۰۵) انتظارات جدیدی را از پاسخگویی از طریق بررسی مثلث پاسخگویی، تعریف می‌کند: پاسخ آموزش عالی به اولویت‌های ایالت، مسائل علمی و نیروهای بازار. رمزک[4] (۲۰۰۰) مدل‌های پاسخگویی را به انواع: سیاسی، قانونی، سازمانی و حرفه‌ای با توجه به دو منبع نظارت درونی و بیرونی و میزان استقلال تفکیک نموده است. در الگوی چارچوب مکعبی فرایندهای ارزشیابی و پاسخگویی، جهت درک فرایندهای ارزشیابی و پاسخگویی، در یک بعد، به سه سطح برنامه‌ها، عملکرد واحدها و عملکرد کل سیستم توجه کرده‌اند. در بعد دوم، درون‌دادها، فرایندها و پیامدها، ارزشیابی می‌شوند و در بعد سوم الگوهای رسمی و غیررسمی، ارزشیابی و پاسخگویی اعمال می‌گردد(Cutt and Murray, 2000).

بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که به‌منظور افزایش پاسخگویی و بهره‌وری در دانشگاه‌ها و پی بردن به نقاط قوت و ضعف لازم است کلیه متغیرهای کمّی و کیفی مورد بررسی قرار گیرد تا از نتایج آن بتوان در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده بهره برد. در جدول ۱، خلاصه‌ای از عوامل مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌ها آورده شده است.

جدول ۱- عوامل مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌ها

عوامل	منابع
علم‌گرایی	پوتوکان[6] و همکاران (۲۰۲۰)، صادقی و همکاران (۱۳۹۶)، لطفی (۱۳۸۹)
جهانی شدن	اسپزیاله (۲۰۱۲)، میلانی و همکاران (۱۳۹۵)، ملکی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷)
منابع انسانی	دی[7] (۲۰۰۶)، نیکولو و همکاران (۲۰۲۰)، کایود و نیکر[8](۲۰۱۹)، شریعتی و همکاران (۱۳۸۹)، لطفی (۱۳۸۹)
ایجاد انگیزه	بن‌وی[9] (۲۰۰۸)، کیخا و همکاران (۱۳۹۸)
نیازسنجی	کایود و نیکر (۲۰۱۹)
آموزش و یادگیری	صادقی و همکاران (۱۳۹۶)، شریعتی و همکاران (۱۳۹۸)
کیفیت سنجی	رثچایلد (۲۰۱۱)، فین[10] (۲۰۱۹)
استقلال دانشگاه	رمزک (۲۰۰۰)، دی (۲۰۰۶)، رثچایلد (۲۰۱۱)، اسپزیاله (۲۰۱۲)، میلانی و همکاران (۱۳۹۵)
جلب مشارکت	گاف[11] (۲۰۰۰)، بورک (۲۰۰۵)، رثچایلد (۲۰۱۱)، اسپزیاله (۲۰۱۲)
تأمین و تخصیص منابع	بورک (۲۰۰۵)
ساختار سازمانی	داداش کریمی و همکاران (۱۳۹۸)، صادقی و همکاران (۱۳۹۶)، هادی و همکاران (۱۳۹۵)

1- Laville
2- Stensaker and Harvey
3- Burke
4- Romzek

6- Potocan
7- Dee
8- Kayode and Naicker
9- Benway
10- Fain
11- Goff

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش در زمره تحقیقات کیفی است. در این پژوهش با رویکردی آمیخته و با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، به شناسایی عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی و بهره‌وری دانشگاه‌های غیردولتی و اعتباریابی الگوی بر آمده از آن پرداخته شده است. در روش سیستماتیک نظریه داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین، محقق از مدلی استفاده می‌کند تا یک چارچوب نظری تولید کند. در رویکرد اشتراوس و کوربین، هر طبقه با بررسی شرایط علّی (عواملی که منجر به وقوع پدیده می‌شوند)، شرایط میانجی (شرایطی که از طریق شرایط علّی بر پدیده مورد نظر اثر می‌گذارند) و راهبردهای عمل/تعاملی (عمل یا تعاملات مشخص که از پدیده مرکزی نشأت می‌گیرند) و پیامدها (نتیجه پدیده که از طریق عمل و تعاملات درگیر هستند)، بررسی می‌شوند.

داده‌های این مطالعه در بخش کیفی حاصل انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از مدیران ارشد و میانی مشغول در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران بود که با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا آنجا ادامه پیدا کرد که اشباع در اطلاعات گردآوری شده حاصل شود. در تحلیل داده‌ها، روش مرحله‌ای و تکنیک‌های تحلیلی اشتراوس و کوربین مورد استفاده قرار گرفت؛ به نحوی که مفاهیم به عنوان واحد تحلیل در سطوح متن کل مصاحبه، پاراگراف، عبارات و جملات مورد توجه قرار گرفتند و با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل عبارات یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. در مرحله کدگذاری باز پس از خوانش تمامی مصاحبه‌ها مفاهیم مربوط به هر مصاحبه احصاء شد. در مرحله بعد مفاهیم احصاء شده بر اساس وجوه افتراق و اشتراک در قالب مقوله های فرعی ثانویه، دسته بندی شدند. در بخش سوم فرایند کدگذاری، مقوله‌های ثانویه فرعی نیز بر پایه تشابهات و تفاوت‌ها در یکدیگر ادغام و مقوله‌های ثانویه اولیه را تشکیل دادند. این فرایند به طور جداگانه در پاسخ به هر پرسش مصاحبه انجام شد و در نهایت، مفاهیم اولیه در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی در شش مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند.

برای ارزشیابی پژوهش‌های مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به جای معیارهای روایی و پایایی، معیار مقبولیت را پیشنهاد داده‌اند. مقبولیت به این معناست که یافته‌های تحقیق تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان، محقق و خواننده در خصوص پدیده مورد مطالعه، موثق و باورپذیر است (پورعابدی، ۱۳۹۵). برای حصول اطمینان از دقیق بودن یافته‌ها از راهبردهای تطبیق توسط اعضا، بررسی همکار استفاده شد. در این راستا طی فرایند پژوهش حاضر، برخی از مشارکت‌کنندگان مرحله نخست، مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آنها ابراز داشتند و سه تن از مدیران ارشد، به بررسی یافته‌ها و اظهارنظر درباره آنها پرداختند.

در بخش کمّی با استفاده از ابزار پرسشنامه ۵۶ گویه‌ای بر پایه طیف شش درجه‌ای لیکرت و تجزیه‌وتحلیل کمّی داده‌های حاصل از آن، به اعتباریابی الگوی برآمده از انجام مرحله کیفی پژوهش پرداخته شد. در تدوین پرسشنامه، از نکات، تعابیر و اصطلاحات برآمده از نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش استفاده شد. برای بررسی اعتبار محتوایی سنجه، نظرات سه تن از استادان و متخصصان استفاده و اعمال گردید. به‌منظور اطمینان از پایا بودن پرسشنامه و همسانی درونی سؤال‌ها، ضریب آلفای کرونباخ برای نمونه مقدماتی (۵۵ نفر) محاسبه شد. مقدار آلفای به‌دست‌آمده ۰/۶۵ می‌باشد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالای مؤلفه‌های موردبررسی می‌باشد. به دلیل اینکه تکمیل پرسشنامه مستلزم اطلاعاتی درباره تجارب افراد در مورد پاسخگویی در دانشگاه آزاد اسلامی بود، لذا پرسشنامه‌ها برای ۱۴۶ نفر از

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای در دانشگاه‌های آزاد اسلامی مستقر در استان تهران، توزیع شدند. تجزیه‌وتحلیل داده‌های کمّی در دو مرحله تجزیه‌وتحلیل توصیفی داده‌ها و تجزیه‌وتحلیل همبستگی چندمتغیره با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی صورت گرفت.

۵- یافته‌های تحقیق

از طریق کدگذاری باز، ۲۰۷ مفهوم به دست آمد که با طبقه‌بندی این مفاهیم، ۱۶ مقوله فرعی شکل گرفت و در مرحله کدگذاری محوری حول ۷ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. نهایتاً مقوله‌ها با روابطی که بین آنها وجود دارد، به صورت شرایط علّی (۶ مقوله) و مقوله اصلی (پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان) آشکار شدند.

جدول ۲- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به پدیده اصلی (پاسخگویی به ذی‌نفعان)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
پاسخگویی به ذی‌نفعان	پاسخگویی به دانشجویان	توجه به نیازهای دانشجویان، اولویت‌دار بودن نیازهای دانشجویان، برنامه‌های منطبق با نیازهای دانشجویان، توجه به انتظارات دانشجویان، پاسخگویی به نیازهای دانشجویان در آموزش زبان خارجی، پاسخگویی به نیازهای متنوع دانشجویان، پاسخگویی نسبت به دانشجویان، نزدیکی میان دانشجویان و اساتید، توجه به حوزه دانشجویی، دسترسی دانشجویان به آموزش عالی، دسترسی دائمی دانشجویان به تمامی امکانات دانشگاه، کاریابی دانشگاه برای دانشجویان در بخش صنعت و تحقیقات، امکانات رفاهی برای دانشجویان، ارتباط با دانش‌آموختگان، ارتباط با استادان، ارتباط با دانشجویان، گزارش‌دهی شفاف به عوامل درونی دانشگاه
	پاسخگویی به جامعه	حل مشکلات جامعه، توجه به نیازهای جامعه، اولویت‌دار بودن نیازهای جامعه، انطباق با نیازهای محیط، پاسخگویی به مشکلات جامعه، ارتباط پژوهش‌ها با نیازهای ملموس جامعه، پاسخگو بودن دانشگاه به جامعه، پاسخگویی به نیازهای جامعه، توسعه آموزش عالی به عنوان دغدغه جامعه، توجه به رفع مشکلات مردم، توجه به نیازهای کشور، انجام مسئولیت‌های اجتماعی، توجه دانشگاه‌ها به مشکلات جامعه و کشور، مشخص بودن نقش دانشگاه‌ها در حل مشکلات جامعه و کشور، توجه به نیازهای منطقه‌ای، تطابق توسعه آموزش عالی با نیازهای جامعه، تطابق محتوای دروس با نیازهای اساسی جامعه، تناسب با نیازهای نوپدید جامعه، ارتباط دانشگاه با جامعه، توجه به نیازهای زیست‌محیطی، توجه به نیازهای جامعه، تناسب مستمر با اهداف جامعه، قرار گرفتن مقالات در مسیر پیشرفت و توسعه جامعه، کمک دانشگاهیان به نشاط جامعه، توجه به نیازهای روز جامعه، تعهد نسبت به مشکلات جامعه، ایفای نقش مؤثر در جامعه، توسعه متناسب با نیاز جامعه، مسئولیت دانشجویان نسبت به جامعه، تعهد اجتماعی دانشجویان، پاسخگویی به انتظارات جامعه، ارتباط دانشگاه با جامعه، توجه به توسعه متناسب با نیاز جامعه، تغییرات سریع در محتوا متناسب با نیاز جامعه، توجه به نیازهای تمامی ذی‌نفعان آموزش عالی، تولید علم در جامعه، نشر علم در جامعه، ایجاد نشاط در جامعه، ایجاد تحرک و پویایی در جامعه، اولویت نیازهای جامعه در برنامه‌های دانشگاه، تقویت هویت ملی، تقویت انسجام ملی، مقابله با آسیب‌های اجتماعی، کمک به عدالت اجتماعی بر اساس شایسته‌سالاری، عرضه خدمات تخصصی به جامعه، مسئولیت‌پذیری دانشگاه نسبت به پول و امکانات ذی‌نفعان بیرونی، مسئولیت‌پذیری دانشگاه نسبت به حمایت ذی‌نفعان بیرونی، پاسخگویی به شهروندان، ارتباط با کمک‌کنندگان مادی و معنوی به دانشگاه، ارتباط با رسانه‌ها، وجود نهاد ارتباط با ذی‌نفعان، گزارش‌دهی فعال و اثربخش به ذی‌نفعان بیرونی، گزارش‌دهی عملکرد دانشگاه به جامعه، پاسخگویی به نیازهای سازمان‌های مدنی
	پاسخگویی به بازار کار	مطابقت دروس و رشته با نیازهای بازار کار، اولویت‌دار بودن نیازهای بازار کار، توجه به نیازهای بازار کار منطقه استقرار دانشگاه، انطباق با نیازهای بازار کار، ارتباط دانشگاه و بازار کار، تطابق رشته‌ها با نیازهای باراز کار، پذیرش متناسب با نیاز بازار، ارتباط ضعیف نیاز آموزشی با نیاز اقتصادی، پاسخگویی به نیازهای صنعت، ارتباط برخی رشته‌های آموزشی با ساختارهای اقتصادی کشورهای پیشرفته، توجه به نیازمندی‌های بازار کار، برطرف کردن نیازهای ذی‌نفعان، نظارت بر عملکرد اساتید بر اساس عملکرد دانشجویان در بازار کار، تناسب تخصص‌ها با نیازهای بازار کار، تأمین نیازهای آموزشی بازار کار، تأمین نیازهای پژوهشی بازار کار، تأمین نیازهای مشاوره‌ای بازار کار، ارتباط با صاحبان صنایع و کارفرمایان

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

جدول ۳- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به عوامل علّی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
علم‌گرایی در دانشگاه	اولویت پژوهش	چرخه تحقیق و محصول، هدفمندی حرکت مراکز پژوهشی دانش‌بنیان، پیچیدگی روزافزون پژوهش، تحول برنامه‌های پژوهشی، پژوهشی بودن دانشگاه، دانشگاه محل پژوهش ۲۴ ساعته، پژوهش به معنی تولید علم، ارتقای کیفی دانشگاه پژوهش، هدف‌گذاری صحیح در ارائه مقالات، قرار گرفتن مقالات در مسیر پیشرفت و توسعه جامعه، تحقیق به عنوان پایه توسعه جامعه و تحقیق به عنوان پشتوانه حرکت علمی
	مدیریت دانش	تولید دانش، اشاعه دانش، نقد دانش، انتقال سریع دانش، انتقال به‌صرفه دانش، نقش دانشگاه در توسعه ایده‌های جدید، نقش دانشگاه در توسعه دانش جدید، مدیریت دانش، به‌کارگیری دانش، شکاف میان فعالیت آموزشی و پژوهشی، آموختن جمع‌آوری اطلاعات، آموختن ساختن اطلاعات، آموختن چگونه آموختن، سیستم مدیریت دانش، اولویت تولید علم، پیشرفت چرخه علمی و بالندگی علمی
منابع انسانی	بلوغ حرفه‌ای کارمندان	توجه به گزینش کارمندان، مهارت‌های تخصصی کارمندان، شناسایی و حمایت از کارمندان خبره، خط‌مشی‌های حمایتی از کارمندان، الزامات قانونی برای حمایت از کارمندان، مناسب کردن شرایط کار برای کارمندان، حفظ و بهره‌گیری از کارمندان نمونه، توجه به انگیزه‌های مالی کارمندان، اهمیت کیفیت دانشگاه برای توانمندسازی کارمندان، نظارت بر کارمندان
	بلوغ حرفه‌ای مدیران	دینداری، وجدان‌کاری، وظیفه‌شناسی، بلوغ مدیران، خدمت‌گزاری مدیران، تجربه‌مندی مدیران و مهارت‌های مدیریتی
	بلوغ حرفه‌ای اساتید	رعایت استانداردهای علمی و حرفه‌ای، طراحی استانداردهای علمی و حرفه‌ای، رعایت وظایف علمی و استادی، لحاظ کردن تحقیقات کاربردی در ارتقای اعضای هیئت علمی، پرورش اساتید برجسته، پاسخگویی اساتید، صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای اساتید، صلاحیت کادر علمی، در دسترس بودن اساتید، توجه به صلاحیت‌های اساتید در تصمیم‌گیری‌ها و عزل و نصب‌ها و مسئولیت‌پذیری اساتید نسبت به تعهداتشان
ایجاد انگیزه در دانشگاه	انگیزه دانشجویان	نظام انگیزشی مؤثر، توجه به انگیزه‌های مالی، ایجاد انگیزه از طریق مشارکت و سیستم انگیزشی شفاف
	انگیزه کارکنان	جلوگیری از ناامیدی و سرخوردگی کارکنان، شایسته‌سالاری، توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌ها در انتصاب‌ها، نظام پرداخت حقوق متناسب با عملکرد، نظام پرداخت عادلانه، وجود کانون‌های کارکنان و سیستم انگیزشی شفاف، ایجاد نظام تشویق و تنبیه عادلانه، سیستم ارتقای شغلی شفاف
	انگیزه اساتید	انگیزه اساتید بر اساس حقوق متناسب با عملکرد، رقابتی بودن حقوق اساتید، عدم بازنشستگی اجباری برای استادان، سیستم انگیزشی شفاف، ایجاد رغبت و انگیزه در اساتید و علاقه و انگیزه برای پژوهش
توسعه بر مبنای نیازسنجی	نیازسنجی	استمرار نیازسنجی، دقت در نیازسنجی‌ها در حد آمایش سرزمین، نیازسنجی بازار کار، نیازسنجی ذی‌نفعان، نیازسنجی به‌موقع، نیازسنجی به‌روز و نیازسنجی متناسب با تغییرات
	توسعه هدفمند	ایجاد رشته‌های مورد نیاز، هدفمندی توسعه آموزشی، تطابق توسعه آموزش عالی با نیازهای جامعه، گسترش حوزه‌های تخصصی، توسعه و پایدار، ضدتوسعه بودن آموزش صرف، ضدتوسعه بودن بسیاری از قوانین، ارتقای کیفی آموزش دانشگاه، ارتقای کیفی پژوهش دانشگاه، توجه به توسعه متناسب با نیاز جامعه و توسعه دانشگاه به دور از رویکردهای سیاسی
روند آموزش و یادگیری	روند آموزش و یادگیری روزآمد و کارا	تغییر روش‌های تدریس و طرز کار با دانشجویان، مهارت در تدریس، تسهیل یادگیری دانشجویان، بلوغ حرفه‌ای و تدریس موفق، برگزاری دوره‌های روش تدریس، تحول در روش‌های آموزشی، توجه به شیوه‌های نوین آموزش، استفاده از روش‌های آموزش از راه دور، بازنگری در برنامه‌های آموزش زبان، استفاده از فناوری‌های نوین، استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزش و پژوهش، تحول برنامه‌های آموزشی، الگوهای نوین یاددهی – یادگیری، الگوی یاددهی – یادگیری مشارکتی، الگوهای تدریس معطوف به مسائل جامعه، تغییرات سریع در محتوا متناسب با نیاز جامعه، مهم بودن سبک در مقابل محتوا، تغییرات سریع در روش متناسب با نیاز جامعه و توجه به شیوه‌های نوین در آموزش
ارزیابی کیفیت دانشگاه	اعتبار دانشگاه	رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس معیارهای بین‌المللی، ایجاد سازمان‌های اعتبارسنجی کیفیت مستقل، اعتبارسنجی نهادهای مستقل و مشارکت نهادهای غیردولتی حرفه‌ای برای اعتبار دانشگاه‌ها
	اثربخشی دانشگاه	الگوهای نرم و حمایت‌گرا در ارزشیابی، داوطلبانه بودن ارزشیابی، ارزشیابی بر مبنای آزادی علمی، استفاده از دیدگاه‌های دانشجویان در ارزشیابی کیفیت یاددهی- یادگیری، استفاده از دیدگاه‌های ذی‌نفعان بیرونی در ارزشیابی، وجود رسانه‌های مستقل در ارزیابی، مشارکت نهادهای حرفه‌ای در ارزیابی دانشگاه، انعطاف‌پذیری چارچوب‌های ارزیابی، تنظیم چارچوب ارزیابی توسط نهادهای ذی‌صلاح حرفه‌ای، خودارزشیابی به عنوان هنجار جهانی، ارزیابی توسط سازمان‌های مستقل به عنوان هنجار جهانی و پرهیز از ارزشیابی دولتی به عنوان هنجار جهانی

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

پدیده اصلی

پدیده اصلی، عبارت از مقوله‌ای است که به ما می‌گوید «چه چیزی در جریان است». اطلاع‌رسانان این پدیده را از طریق موجبات علّی آن توضیح می‌دادند و می‌خواستند بیان کنند که چه موجباتی در فرایند شکل‌گیری این پدیده تأثیر دارند (فراستخواه، ۱۳۸۷). پدیده اصلی در پژوهش حاضر، پاسخگویی به ذی‌نفعان است. بدین معنا که پدیده پاسخگویی به ذی‌نفعان به عنوان پدیده اصلی به طور مستقیم از موجبات علّی اثر می‌پذیرد و به پیامدهایی منجر می‌شود. سه مقوله فرعی پاسخگویی به نیاز دانشجویان، پاسخگویی به نیاز جامعه، پاسخگویی به نیاز بازار کار تشکیل‌دهنده مقوله اصلی پاسخگویی به ذی‌نفعان هستند. چگونگی اکتشاف مقوله اصلی را می‌توان به نقل قول یکی از مصاحبه شوندگان ارجاع داد:

«بزرگ‌ترین مسأله و مشکل دانشگاه‌ها، پاسخگو نبودن به ذی‌نفعان اعم از دانشجویان و جامعه است. اصولاً دانشگاه‌ها بر اساس یک نیازسنجی مستمر رشته‌ها را بازگشایی و اداره نمی‌کنند یا محتویات دروس و رشته‌ها مبتنی بر نیازهای بازار کار و مشاغل نمی‌باشد. دانشجویان توانمندی‌های لازم را به‌دست نمی‌آورند و مشکلات جامعه از طریق رشته‌ها و دانشگاه‌ها حل نمی‌شود. راه‌حل در بیان مشکل است؛ یعنی نیازسنجی شود و در این ارتباط اولویت با نیازهای دانشجویان، جامعه و بازار کار است.»

همچنین یکی دیگر از مطلعین کلیدی در این ارتباط چنین اظهار کرد که: «امروز باید دانشگاه‌های ما مشکلات جامعه و کشور را تشخیص دهند و برای حل آن وارد صحنه شوند و در این زمینه هر کدام از دانشگاه‌ها می‌تواند یکی از مشکلات کشور را به نام دانشگاه خود حل و فصل کند.» یا یکی از مسئولین در سخنان خود به این نکته این چنین اشاره کرد که «... برای بسیاری از رشته‌های دانشگاهی بازار کاری وجود ندارد و از طرفی پذیرش دانشجو در آن رشته‌ها بسیار زیاد است، به همین دلیل قبل از پذیرش، باید نیازسنجی صورت پذیرد تا باعث سرخوردگی و ناامیدی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها نشود.»

عوامل علّی

عوامل علّی؛ شامل عواملی است که مستقیماً به پدیده اصلی پاسخگویی به ذینفعان (پاسخگویی به نیاز دانشجویان، پاسخگویی به نیاز جامعه، پاسخگویی به نیاز بازار کار) منجر می‌شوند و منشأ پاسخگویی دانشگاه هستند. تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها، شش مقوله اصلی را به عنوان عوامل علّی مؤثر بر پاسخگویی دانشگاه نشان داد که عبارتند از: علم‌گرایی در دانشگاه، منابع انسانی، ایجاد انگیزه در دانشگاه، توسعه بر مبنای نیازسنجی، روند آموزش و یادگیری و ارزیابی کیفیت دانشگاه.

علم‌گرایی در دانشگاه: وظایف اصلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شامل: تولید علم، انتقال دانش (تربیت نیروی انسانی متخصص) و عرضه خدمات تخصصی به جامعه می‌باشد. انجام بهینه هر یک از این وظایف منوط به داشتن تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای و نیز آماده ساختن پژوهشگرانی است که قادر به انجام این تحقیقات باشند (سمیعی‌راد و قاسمی، ۱۳۹۳). مطابق یافته‌ها، این مقوله خود از دو مقوله فرعی اولویت پژوهش و مدیریت دانش، تشکیل شده است. منظور از اولویت پژوهش توجه به مسائلی از قبیل: چرخه تحقیق و محصول، هدفمندی حرکت مراکز پژوهشی دانش‌بنیان، پیچیدگی روزافزون پژوهش، تحول برنامه‌های پژوهشی، پژوهشی بودن دانشگاه، دانشگاه محل پژوهش ۲۴ ساعته، پژوهش به معنی تولید علم، توسعه کیفی پژوهش، هدف‌گذاری صحیح در ارائه مقالات، قرار گرفتن مقالات در مسیر پیشرفت و توسعه جامعه، تحقیق به عنوان پایه توسعه جامعه و تحقیق به عنوان پشتوانه حرکت علمی است. مدیریت دانش به تولید دانش، اشاعه دانش، نقد دانش، انتقال سریع دانش، انتقال به‌صرفه دانش، نقش دانشگاه در توسعه ایده‌های جدید، نقش دانشگاه در توسعه دانش جدید، به‌کارگیری

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

دانش، شکاف میان فعالیت آموزشی و پژوهشی، آموختن جمع‌آوری اطلاعات، آموختن ساختن اطلاعات، آموختن چگونه آموختن، سیستم مدیریت دانش، اولویت تولید علم، پیشرفت چرخه علمی و بالندگی علمی، اشاره دارد. مطلعین کلیدی در این خصوص، اظهارات زیر را بیان کرده‌اند:

«وظایف اصلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شامل: تولید دانش، انتقال دانش (تربیت نیروی انسانی متخصص) و عرضه خدمات تخصصی به جامعه می‌باشد. انجام بهینه هر یک از وظایف مشروحه، منوط به داشتن تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای و نیز آماده ساختن پژوهشگرانی است که قادر به انجام چنین تحقیقاتی باشند.»

«اکثر موضوعات پژوهشی از بین اولویت‌های جامعه انتخاب نمی‌شوند و یا اصلاً اولویت‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند و در این رابطه طرح کلانی که دانشجو در دانشگاه بخواهد روی آن کار کند در کشور وجود ندارد و انتخاب بیشتر موضوعات پژوهشی، سلیقه ای و ذهنی است.»

«خیلی‌ها هم بعد از ورود به دنبال این هستند که زودتر واحدها را پاس کنند و فارغ‌التحصیل شوند، نمره بیشتری بگیرند و از این مسائل. برخی از اساتید هم سرشان شلوغ است یا سمت اجرایی دارند یا شغل دوم و ... در خارج از دانشگاه و به همین دلیل وقت کمی می‌گذارند.»

منابع انسانی: وجود استادان توانمند و صاحب صلاحیت‌های علمی و فنی مناسب از عوامل بنیادی مؤثر در کیفیت نظام‌های آموزش عالی است. تلاش برای جذب و حفظ استادان توانمند از ضرورت‌های حیاتی مطرح برای تصمیم‌سازی دانشگاهی به شمار می‌رود (توفیقی و فراستخواه، ۱۳۸۱). یکی از تفاوت‌های عمده مراکز آموزش عالی با سایر سازمان‌ها ماهیت مسئولیت حرفه‌ای متخصصان این مراکز است. اشراف اعضای هیئت علمی به موضوعات حرفه‌ای در ارتقای آموزش و دانشگاه امری مهم تلقی می‌شود. آنان انتقال‌دهندگان تخصص به مخاطبان خود هستند و هرچه تجربه علمی‌شان افزایش یابد، آموزش آنها نیز اثربخش‌تر خواهد بود. این مقوله اصلی دارای سه مقوله فرعی بلوغ حرفه‌ای اساتید، بلوغ حرفه‌ای مدیران و بلوغ حرفه‌ای کارمندان است. مقوله فرعی بلوغ حرفه‌ای اساتید به عواملی از قبیل: رعایت استانداردهای علمی و حرفه‌ای، طراحی استانداردهای علمی و حرفه‌ای، رعایت وظایف علمی و استادی، لحاظ کردن تحقیقات کاربردی در ارتقای اعضای هیئت علمی، پرورش اساتید برجسته، پاسخگویی استادان، صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای استادان، صلاحیت کادر علمی، در دسترس بودن استادان، توجه به صلاحیت‌های استادان در تصمیم‌گیری‌ها و عزل و نصب‌ها و مسئولیت‌پذیری استادان نسبت به تعهداتشان، اشاره دارد. بلوغ حرفه‌ای مدیران، زیرمقوله دوم است که عواملی مانند: دینداری، وجدان‌کاری، وظیفه‌شناسی، بلوغ مدیران، خدمتگزاری مدیران، تجربه‌مندی مدیران و مهارت‌های مدیریتی، از تحلیل ادراکات مطلعین کلیدی استخراج گردیده است. در نهایت مقوله فرعی بلوغ حرفه‌ای کارمندان قرار دارد که دربرگیرنده عواملی مانند: توجه به گزینش کارمندان، مهارت‌های تخصصی کارمندان، شناسایی و حمایت از کارمندان خبره، خط‌مشی‌های حمایتی از کارمندان، الزامات قانونی برای حمایت از کارمندان، مناسب کردن شرایط کار برای کارمندان، حفظ و بهره‌گیری از کارمندان نمونه، توجه به انگیزه‌های مالی کارمندان، اهمیت کیفیت دانشگاه برای توانمندسازی کارمندان و نظارت بر کارمندان است. مطلعین کلیدی در این ارتباط اظهارات زیر را ابراز نموده‌اند:

«نیروی انسانی در سازمان‌ها مهم‌ترین سرمایه آنها محسوب می‌شود و گزینش و جذب نیروی انسانی و تعیین صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای آنها به ویژه در محیط‌های تخصصی و حرفه‌ای از اهمیتی دوچندان برخوردار است و اساساً برای افزایش پویایی، خلاقیت و

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

بروز ایده‌های نوین در فضاهای علمی و حرفه‌ای نظیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تخصص و دانشوری، محور فعالیت‌ها را تشکیل می‌دهد.»

«توانمندی مدیران و کارکنان در انجام امور و توجه ویژه به شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران و قدردانی از کارکنان شایسته و نمونه نقش کلیدی در تأمین رضایت و ایجاد انگیزه مثبت در کادر آموزشی دارد.»

«مشکل دیگر، ضعف گروه‌های آموزشی و کارکنان به‌عنوان یک بخش فرعی از دانشکده است و عملکرد و شیوه تعاملات آنها بر روی دانشجویان اثر می‌گذارد، به‌ویژه تعداد زیاد دانشجو در برخی رشته‌ها باعث مشغولیت زیاد هیئت علمی و خستگی آنها می‌شود.»

ایجاد انگیزه در دانشگاه: انگیزه‌ها، نیازها، تمایلات و سلائق‌های رفتاری هستند که مبین چرایی رفتار افراد بوده و اساساً مقدم بر رفتار هستند (Lizzio & Wilson, 2009). انگیزه در اینجا به عنوان سومین عامل مؤثر بر پدیده اصلی پاسخگویی به ذی‌نفعان، دارای سه مقوله فرعی انگیزش دانشجویان، اساتید و کارکنان است. منظور از مقوله فرعی انگیزش دانشجویان: نظام انگیزشی مؤثر، توجه به انگیزش‌های مالی، ایجاد انگیزه از طریق مشارکت و سیستم انگیزشی شفاف است. مقوله فرعی دوم انگیزش استادان است که منظور از آن انگیزش اساتید بر اساس حقوق متناسب با عملکرد، رقابتی بودن حقوق اساتید، عدم‌بازنشستگی اجباری برای اساتید، سیستم انگیزشی شفاف، ایجاد رغبت و انگیزش در اعضای هیئت علمی و علاقه و انگیزه برای پژوهش است. مقوله فرعی سوم، انگیزش کارکنان است که بر اساس تحلیل ادراکات مطلعین کلیدی دربرگیرنده عوامل: جلوگیری از ناامیدی و سرخوردگی کارکنان، شایسته‌سالاری، توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌ها در انتصاب‌ها، نظام پرداخت حقوق متناسب با عملکرد، نظام پرداخت عادلانه، وجود کانون‌های کارکنان و سیستم انگیزشی شفاف، ایجاد نظام تشویق و تنبیه عادلانه، سیستم ارتقای شغلی شفاف می‌باشد. در ارتباط با این مقولات، مطلعین کلیدی اظهارات زیر را ابراز نموده‌اند:

«برای دانشجویان فرصت شغلی کافی مرتبط با تخصص آنها وجود ندارد و یا در جامعه علمی یا حرفه‌ای به آنها اعتماد نمی‌شود و مورد پذیرش واقع نمی‌شوند و این موضوع و تصور آن از انگیزه آنها در مشارکت در فعالیت‌های علمی و پژوهشی می‌کاهد.»

«نظام‌دهی به تحقیقات دانشگاهی یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه تحقیقات دانشگاه‌ها است چرا که بدین وسیله می‌توان به ترویج روحیه تحقیق و ایجاد انگیزه و رغبت در اعضای هیئت علمی نسبت به امر تحقیق پرداخت.»

«توانمندی مدیران و کارکنان در انجام امور و توجه ویژه به شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران و قدردانی از کارکنان شایسته و نمونه نقش کلیدی در تأمین رضایت و ایجاد انگیزه مثبت در کادر آموزشی دارد.»

توسعه دانشگاه بر مبنای نیازسنجی: توسعه رشته‌های دانشگاهی، از طریق یک نیازسنجی دقیق و مداوم می‌تواند نیازهای جامعه به نیروی انسانی مورد نیاز را در همه بخش‌ها تأمین نماید. توسعه دانشگاه بر مبنای نیازسنجی چهارمین مقوله‌ای است که به عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر در پدیده اصلی پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان مورد نظر است. این مقوله خود از دو مقوله فرعی نیازسنجی و توسعه هدفمند دانشگاه تشکیل شده است. بر اساس تحلیل ادراکات مطلعین کلیدی مقوله فرعی نیازسنجی دربرگیرنده عوامل: استمرار نیازسنجی، دقت در نیازسنجی‌ها در حد آمایش سرزمین، نیازسنجی بازار کار، نیازسنجی ذی‌نفعان، نیازسنجی به‌موقع، نیازسنجی به‌روز و نیازسنجی متناسب با تغییرات می‌باشد. دومین مقوله فرعی توسعه هدفمند دانشگاه است که شامل: ایجاد رشته‌های مورد نیاز، هدفمندی توسعه آموزشی، تطابق توسعه آموزش عالی با نیازهای جامعه، گسترش حوزه‌های تخصصی، توسعه و پایدار، ضد توسعه بودن آموزش صرف، ضد توسعه بودن بسیاری از

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

قوانین، توسعه کیفی آموزش، توسعه کیفی پژوهش، توجه به توسعه متناسب با نیاز جامعه و توسعه دانشگاه به دور از رویکردهای سیاسی می‌باشد. مطلعین کلیدی اظهارات زیر را ابراز نموده‌اند:

«اصولاً دانشگاه ها بر اساس یک نیازسنجی مستمر رشته‌ها را بازگشایی و اداره نمی‌کنند ... راه‌حل در بیان مشکل است؛ یعنی نیازسنجی شود.»

«با توجه به مشکلات مالی، پذیرش در بسیاری از رشته‌ها زیاد است با وجود اینکه بازار کاری ندارند و این باعث ناامیدی دانشجو و فارغ‌التحصیل می شود. لذا باید نیازسنجی صورت گیرد.»

«هر سری دانشجویان بیشتری می‌گیریم و ما داریم کیفیت را فدای کمیت می‌کنیم. از آن طرف اساتید هم کم هستند.»

روند آموزش و یادگیری: در کنار تسلط علمی و فنی استادان، شیوه تدریس آنان از عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی است. امروزه دانشگاه‌های پیشرو، به انواع رویکردهای بهبود شیوه‌های یادگیری- یاددهی و روش‌هایی به منظور تقویت فرایند تفکر و حل مسأله به منظور توسعه دانشجویان در فراگیری مبانی نظری و مهارتی علاقه‌مند شده‌اند. هدف اساسی آموزش در کلاس‌های دانشگاهی باید به جای انتقال صرف دانش از ذهنی به ذهن دیگر، گسترش توانایی‌های دانشجو برای یادگیری باشد؛ بنابراین توجه به اصل کیفیت در فرایند آموزش حائز اهمیت فراوان است (آراسته و همکاران، ۱۳۸۷). روند آموزش و یادگیری به عنوان پنجمین مقوله مؤثر در پدیده اصلی پاسخگویی به ذی‌نفعان کشف شده است. بر اساس تحلیل ادراکات مطلعین کلیدی، این مقوله دربرگیرنده عوامل: تغییر روش‌های تدریس و طرز کار با دانشجویان، مهارت در تدریس، تسهیل یادگیری دانشجویان، حرفه‌مندی و تدریس موفق، برگزاری دوره‌های روش تدریس، تحول در روش‌های آموزشی، توجه به شیوه‌های نوین آموزش، استفاده از روش‌های آموزش از راه دور، بازنگری در برنامه‌های آموزش زبان، استفاده از فناوری‌های نوین، استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزش و پژوهش، تحول برنامه‌های آموزشی، الگوی‌های نوین یاددهی- یادگیری، الگوی یاددهی- یادگیری مشارکتی، الگوهای تدریس معطوف به مسائل جامعه، تغییرات سریع در محتوا متناسب با نیاز جامعه، مهم بودن سبک در مقابل محتوا، تغییرات سریع در روش متناسب با نیاز جامعه و توجه به شیوه‌های نوین در آموزش می‌باشد. در ارتباط با این مقولات، مطلعین کلیدی اظهارات زیر را ابراز نموده‌اند:

«باید در روش‌های آموزشی موجود در کشور تحول ایجاد کرد. روش آموزشی ما یک طرفه است و یکی از راهکارها برای تحول در آن می تواند پژوهشی کردن دانش باشد.»

ارزیابی کیفیت دانشگاه: ارزیابی کیفیت، ارزیابی و مدیریت سیستماتیک رویه‌های آموزش عالی که به وسیله سیستم‌ها و نهادهای آموزش عالی اتخاذ می‌شود تا دستیابی به نتایج با کیفیت و پیشرفت در کیفیت را تضمین کند تعریف شده است. به عبارت دیگر ارزیابی کیفیت، ابزارهایی است که مؤسسات و نهادها، اهداف و برنامه‌هایشان را در برابر نتایج اندازه‌گیری شده مقایسه می‌کنند (Tripathi & Jeevan, 2009). ارزیابی کیفیت دانشگاه، ششمین مقوله مؤثر در پدیده اصلی پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان است که از دو مقوله فرعی اعتبار دانشگاه و ارزیابی اثربخشی دانشگاه، تشکیل شده است. بر اساس تحلیل ادراکات مطلعین کلیدی، مقوله فرعی اعتبار دانشگاه، دربرگیرنده عوامل: رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس معیارهای بین‌المللی، ایجاد سازمان‌های اعتبارسنجی کیفیت مستقل، اعتبارسنجی نهادهای مستقل و مشارکت نهادهای غیردولتی حرفه‌ای برای اعتبارسنجی دانشگاه‌ها می‌باشد. ارزیابی اثربخش دانشگاه، دومین مقوله فرعی است که عواملی مانند: الگوهای نرم و حمایت‌گرا در ارزشیابی، داوطلبانه بودن ارزشیابی، ارزشیابی بر مبنای استقلال دانشگاه، ارزشیابی بر مبنای آزادی علمی، استفاده از دیدگاه‌های دانشجویان

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

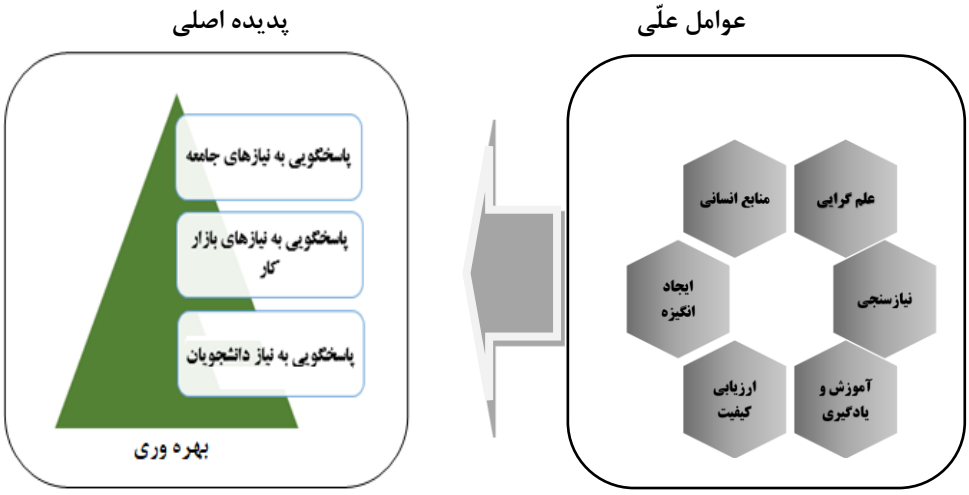
در ارزشیابی کیفیت آموزش و یادگیری، استفاده از دیدگاه‌های ذی‌نفعان بیرونی در ارزشیابی، وجود رسانه‌های مستقل غیردولتی در ارزیابی، مشارکت نهادهای حرفه‌ای در ارزیابی دانشگاه، انعطاف‌پذیری چارچوب‌های ارزیابی، تنظیم چارچوب ارزیابی توسط نهادهای ذی‌صلاح حرفه‌ای، خودارزشیابی به عنوان هنجار جهانی، ارزیابی توسط سازمان‌های مستقل به عنوان هنجار جهانی و پرهیز از ارزشیابی دولتی به عنوان هنجار جهانی را دربر می‌گیرد. برخی از مطلعین کلیدی اظهارات زیر را در این خصوص ابراز نموده‌اند:

«چارچوب‌های راهنمای لازم برای ارزیابی بیرونی باید توسط نهادهای ذی‌صلاح حرفه‌ای (و نه دولت) تنظیم بشوند و باید قابل انعطاف باشند.»

«راه چاره این معضل، ایجاد سازمان‌هایی است که این سازمان‌ها وظیفه ارزیابی دانشگاه‌ها را به عهده گیرند و آنها را هر ساله بر اساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی رتبه‌بندی کنند و به امر نظارت و کنترل و ارزیابی دانشگاه‌ها بپردازند.»

«ایجاد سازمان‌های نظارتی و اعتباربخشی به دانشگاه ها مستلزم ایجاد سازمان هایی مستقل از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌منظور کنترل و نظارت کیفی دانشگاه‌ها است.»

«سرانجام الگوی ارزیابی درونی و بیرونی (اعتبارسنجی) با همکاری و تعامل شبکه‌ای از کلیه ذی‌نفعان مانند دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی، نهادهای غیردولتی، دولت و بازار کار؛ مطمئناً گزینه مناسب‌تری برای دوره گذار آموزش عالی ایران به ترازهای کیفیت جهانی (کلاس جهانی) است.»



شکل ۱- الگوی مفهومی پژوهش

تجزیه‌وتحلیل کمّی داده‌ها

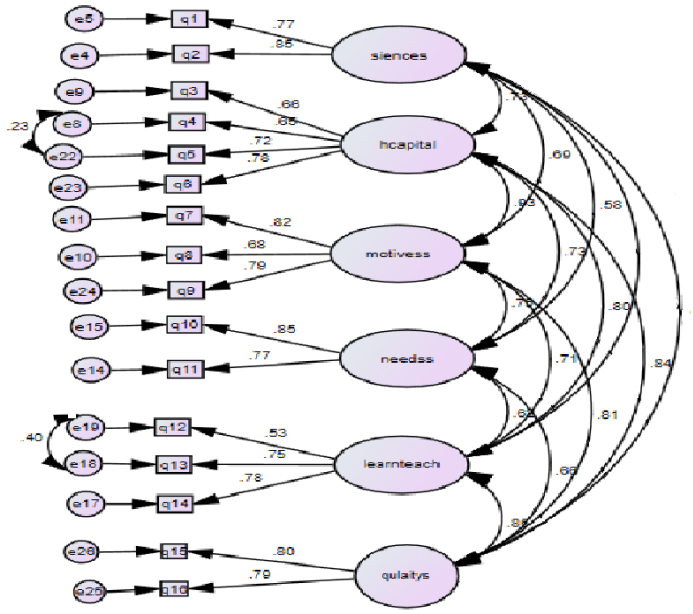
تحلیل توصیفی داده‌های مربوط به مقوله پاسخگویی به نیازهای ذینفعان به عنوان مقوله محوری این پژوهش نشان داد که پایین‌ترین ارزیابی مربوط به زیرمقوله پاسخگویی به نیازهای جامعه (M=۲/۲۱) و بالاترین ارزیابی مربوط به زیرمقوله پاسخگویی به نیازهای بازار کار (M=۲/۵۸) است. همچنین، عوامل علّی دارای شش مؤله فرعی است که بالاترین ارزیابی مربوط به علم‌گرایی (M =۲/۷۷) و کمترین ارزیابی مربوط به زیرمقوله توسعه بر مبنای نیازسنجی (M=۱/۹۲) بود. برای ایجاد اعتبار سازه عوامل، به عنوان یک گام اولیه مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، تحلیل عاملی تأییدی انجام می‌شود. از تحلیل معادلات ساختاری و نرم‌افزار Amos23 جهت پاسخ به پنجمین پرسش

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

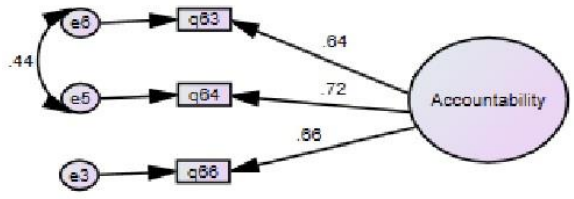
پژوهش استفاده شد. بر اساس یافته‌های بخش کیفی، برخی از مهمترین معیارهای برازش تحلیل عاملی تأییدی و نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای هر یک از عوامل و مقایسه آنها با ملاک‌های تعیین شده در جدول ۴ ارائه شده است. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، تمامی شاخص‌ها در حد بسیار مطلوب هستند و مدل با داده‌ها از برازش خوبی برخوردار است که نشان‌دهنده همسویی گویه‌ها با سازه نظری می‌باشد.

جدول ۴- شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مرحله اول

عامل‌های مرحله اول	خی دو (χ^2) و معنی‌داری آن (p=۰/۰۰۱)	نسبت خی دو (χ^2 /df)	ریشه خطای میانگین مجذورات (RMSEA)	شاخص نرم‌شده برازش (NFI)	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	شاخص نیکویی برازش (GFI)
معیار	مقادیر معنی‌دار و غیرمعنی‌دار	نسبت بین کمتر از ۲	RMSEA ≤ ۰/۰۷	NFI ≥ ۰/۹۳	CFI ≥ ۰/۹۳	GFI ≥ ۰/۹۳
عوامل علّی	۱/۳۳۱ p=۰/۸۱	۱/۲۲۴ (df=۳)	۰/۰۵۳	۰/۹۲۵	۰/۹۸۳	۰/۹۶
پاسخگویی	۲/۶۶۴ p=۰/۲۳۵	۱/۲۲۱ (df=۱)	۰/۰۵۴	۰/۹۷۲	۰/۹۰۰	۰/۹۹



نمودار ۱- تحلیل عاملی مرحله اول عوامل علّی



نمودار ۲- تحلیل عاملی مرحله اول پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان

جدول ۵، شاخص‌های برازش و برون‌دادهای به دست آمده در تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم برای الگوی استخراج شده از بخش کیفی پژوهش و مقوله‌های مرتبط را ارائه می‌دهد. از تحلیل عامل تأییدی مرحله دوم برای تأیید ارتباط مقوله‌های فرعی منابع انسانی، علم‌گرایی در دانشگاه، نیازسنجی و توسعه هدفمند،

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

ایجـاد انگیـزه در دانشـگاه، رونـد آمـوزش و یـادگیری، کیفیت‌سنجی با مقوله اصلی عوامل علّـی اسـتفاده شـده است. بر این مبنا، سهم هر یک از عوامل در تبیین میزان واریانس عوامل علّی تعیین مـی‌شـود و بـا اسـتفاده از ضـرایب استاندارد شده می‌توان آن را فرمولـه نمـود. جـدول ۵ بیـانگر شاخص‌های برازندگی و شکل بارهای عاملی آن می‌باشد.

جدول ۵- شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم عوامل علّی

شاخص	مقدار کفایت برازش
آماره خی دو (χ^2) و معنی‌داری آن	۱۲۶/۱۹ (p=۰/۰۰۱)
خی دو به درجه آزادی (χ^2 /df) (df=۷۷)	۱/۶۳۸
ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی	۰/۰۶۵
شاخص نرم‌شده برازش	۰/۹۱
شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۵
شاخص نیکویی برازش	۰/۹۰

در تحلیـل عـاملی مرحلـه دوم، شـاخص‌هـای گزارش‌شده، برازش کاملاً مطلوب داده‌ها با الگو را نشـان می‌دهد. بر این اساس مقوله‌هـای فرعـی منـابع انسـانی، علـم‌گرایـی در دانشـگاه، نیازسـنجی و توسـعه هدفمنـد، ایجـاد انگیـزه در دانشـگاه، رونـد آمـوزش و یـادگیری، کیفیت‌سنجی به وجود آورنده عوامل علّی هستند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نظام های آموزش عالی بایـد بـه نیازهـای جـاری و آینده جامعه پاسخگو باشند و برای پاسـخگو بـودن بایـد تغییر و بهبود را سرلوحه کلیه امور قرار دهنـد. دانشـگاه در گذار تحـولات سـالیان گذشـته دسـتخوش تغییـرات زیادی از جمله گسترش کمّـی آمـوزش عـالی و افـزایش پذیرش دانشجویان در رشته های مختلف شده و همزمان با این پدیده جهانی بافت آموزش عالی ایران نیز تغییرات مشابهی داشته است. دانشگاه در قالب نهـادی اجتمـاعی پس از ورود به بافت‌های مختلف، پیامدهای اجتمـاعی بـا خود به همراه دارد که بسیاری از آنها در رده عوامل قابل مشاهده قرار نمی‌گیرد که گاه از نظر شاخص‌هـای کمّـی نمی‌توان آنها را اندازه‌گیری کرد. نتایج نشان داده‌انـد کـه افزایش سطح دسترسی مردم به آموزش عالی بـه عنـوان مطالبه ای همگانی حاصل از انباشت نسـلی و مبتنـی بـر قانون اساسی آغازگر سیاست‌هـای گسـترش کمّـی بـوده است که از منظر مشـارکت کننـدگان ردپـای آن بـر بـالا بردن سطح آگاهی، رشد و توسعه شهری، تغییر در سبک زندگی، شکل‌گیری هنجارهای نوین اجتمـاعی، بـی‌ارزش شـدن مـدرک تحصـیلی و دانشـگاه، کـاهش چشـمگیر کیفیت آمـوزش عـالی و اثرهـای آن در بحـران افـزایش منابع انسانی ناکارآمد و افزایش بیکـاری‌هـای منطقـه ای دیده می‌شود.

پدیـده اصـلی در پـژوهش حاضـر، پاسـخگویی بـه ذی‌نفعـان اسـت کـه همـه عوامـل و تـأثیرات در جهـت توصیف آن، حرکت مـی‌کننـد و انتخـاب ایـن مقولـه بـه عنوان مقوله کانونی منطقی به نظر می‌رسد و خود نشـان از اعتبار یافته‌ها و تحلیل‌هاست؛ زیرا هدف هر سیستمی، برآورده کردن نیازهـای ذی‌نفعـان آن اسـت. یافتـه‌هـای پژوهش حاکی از آن است که پدیده اصلی پاسخگویی بـه ذی‌نفعان (پاسخگویی به نیازهای دانشجویان، پاسخگویی به نیازهای جامعه و نیازهای بازار کار) تحت تأثیر عواملی از قبیل علم‌گرایی دانشگاه، منابع انسانی، ایجاد انگیزه در دانشـگاه (دانشـجویان، کارکنـان، اسـتادان)، توسـعه بـر مبنای نیازسـنجی، رونـد آمـوزش و یـادگیری و ارزیـابی کیفیت دانشـگاه (اعتبـار دانشـگاه و اثربخشـی دانشـگاه) ایجـاد شـده و بـدون وجـود و کـارکرد درسـت آنهـا، پاسخگویی به نیازهـای ذی‌نفعـان ممکـن نیسـت. نتـایج مرحله کیفی این بخش در مرحله کمّی مورد تأییـد قـرار

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

گرفت؛ یعنی مقوله محوری پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان از عوامل علّی به طور مستقیم تأثیر پذیرفته است. همچنین نتیجه تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که پاسخگویی به نیاز دانشجویان، پاسخگویی به نیاز جامعه، پاسخگویی به نیاز بازار کار، مقوله‌های فرعی تشکیل‌دهنده پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان است. نتایج تحلیل کمّی وضعیت موجود پاسخگویی نشان می‌دهد که کلیه مقوله‌های فرعی پایین‌تر از حد متوسط بوده و پاسخگویی به نیاز جامعه کمترین میانگین را شامل می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاه‌های غیردولتی باید شکاف بیرونی به بازار کار، جامعه علمی و جامعه مدنی را پر کنند. اگر در دانشگاه‌ها به نیازهای ذی‌نفعان توجه نشود، به اعتراض و نارضایتی آنها منجر خواهد شد و دستیابی به اهداف دانشگاه، امکان‌پذیر نخواهد بود. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات رژچایلد (۲۰۱۱)، ترزا اسپزیاله (۲۰۱۲)، فین (۲۰۱۹)، کایود و نیکر (۲۰۱۹)، لطفی (۱۳۸۹)، ملکی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷)، شریعتی و همکاران (۱۳۹۸) همسو است.

رشد و گسترش بسیاری از واحدها و مراکز آموزش عالی طی سال‌های اخیر بدون توجه به حداقل امکانات و استانداردهای آموزشی و پژوهشی و به خصوص نیازهای آموزشی و تخصصی واقعی در سطح محلی، منطقه‌ای و کشور نه تنها باری از دوش کشور برنداشته بلکه با ایجاد فشار مالی و غیرمالی مضاعف برای جامعه موجبات نارضایتی دانشجویان و دانش‌آموختگان به عنوان ذی‌نفعان اصلی را در پی داشته است. از سوی دیگر، گشایش و رشد کمّی رشته‌های آموزشی به ویژه در مقاطع آموزش عالی بدون توجه به آمایش سرزمین و سیاست‌ها و برنامه‌های کلان راهبردی کشور و صرفاً با هدف جذب دانشجو و بهره‌برداری مالی و پاسخ به انگیزه‌های مدرک‌گرایی جوانان از یک سو موجب هدررفت سرمایه‌های مادی و انسانی می‌گردد و از سوی دیگر بر تعداد دانش‌آموختگان صرفاً دارای مدرک که فاقد شغل و مهارت کافی منطبق با نیازهای جامعه هستند می‌افزاید. افزایش خیل دانش‌آموختگان و عدم‌انطباق آنها با بازار کار به عنوان زنگ خطری که می‌تواند مخاطرات اجتماعی بسیاری را در جامعه به همراه داشته باشد، می‌تواند موجب سرخوردگی اجتماعی شود و راه مهاجرت قشر تحصیل‌کرده به خارج کشور را هموار نماید که در نتیجه محرومیت اجتماع از استفاده بهینه از سرمایه‌های انسانی خود را به همراه دارد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مقوله علم‌گرایی و میانگین کل ۲/۷۷ برای این مقوله نشان می‌دهد که وضع موجود آن در دانشگاه پایین‌تر از میانگین بوده و باید تقویت گردد. در ارتباط با مقوله ایجاد انگیزه در دانشگاه، نتایج تحلیل عاملی تأییدی بخش کمّی، تأییدکننده نتایج بخش کیفی بوده و میانگین کل ۲/۳۴ این مقوله مؤید آن است که وضع موجود آن در دانشگاه پایین‌تر از میانگین است و ضرورت تقویت آن را ایجاب می‌کند. نتایج تحلیل عاملی مقوله روند آموزش و یادگیری در بخش کمّی و میانگین کل ۲/۵۳ برای این مقوله نشان می‌دهد که وضعیت موجود آن در دانشگاه پایین‌تر از حد میانگین می‌باشد و لذا نیازمند تقویت است.

دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی به‌عنوان یکی از زیرنظام‌های آموزش عالی ایران، با آسیب‌های مختلفی مواجه‌اند که عملکرد آنها را تحت تأثیر قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است آسیب‌هایی از قبیل خالی ماندن ظرفیت پذیرش، همسان بودن رشته‌های موجود در همجواری، نداشتن امکان حضور در برخی از حوزه ها، ضعف در برقراری ارتباط با بخش‌های به کارگیرنده فارغ‌التحصیلان و ناکافی بودن اعضای هیئت علمی وجود دارد. ضمناً این مراکز در زمینه امور مالی نیز با آسیب‌هایی از قبیل: وابستگی مالی به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان، فقدان وحدت رویه، نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیئت علمی و سایر کارکنان مواجه هستند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مقوله منابع انسانی نشان داد که بلوغ حرفه‌ای کارکنان، بلوغ حرفه‌ای مدیران و بلوغ حرفه‌ای

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

اساتید، زیرمقوله‌های تشکیل‌دهنده منابع انسانی بوده و میانگین کل ۲/۶۲ برای مقوله منابع انسانی حاکی از این است که وضعیت موجود آن پایین‌تر از حد میانگین می‌باشد و نیازمند تقویت است. همچنین نتایج تحلیل عاملی بخش کمّی مقوله ارزیابی کیفیت دانشگاه، نتایج بخش کیفی را تأیید می‌کنند و میانگین کل ۲/۴۸ برای این مقوله مؤیّد آن است که وضعیت فعلی آن در دانشگاه آزاد اسلامی پایین‌تر از حد میانگین می‌باشد و این بخش نیز نیازمند توجه ویژه است.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی مقوله توسعه بر مبنای نیازسنجی، نتایج بخش کیفی را تأیید می‌نماید و میانگین کل ۱/۹۷ برای این مقوله نشان می‌دهد که وضعیت آن در دانشگاه آزاد اسلامی بسیار پایین‌تر از حد میانگین بوده و نیازمند توجه بسیار زیاد به این حوزه است. با توجه به نتایج این پژوهش، نیازسنجی مستمر برای تشخیص دقیق و به‌روز نیازهای ذی‌نفعان دانشگاه و برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی بر این اساس و تأسیس نهادی برای رصد وضعیت پاسخگویی در دانشگاه‌های غیردولتی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا ساختار آموزش عالی باید با هدف اعطای اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها تغییر یابد و زیرساخت‌های علمی- پژوهشی مورد توجه بیش از پیش سیاست‌گذاران قرار گیرد. به علاوه، تأمین و تخصیص منابع مالی به دانشگاه‌ها باید با هدف پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان صورت گیرد، استقلال‌بخشی باید در دستورکار سیاست‌گذاران دانشگاه‌ها قرار گیرد و سیاست‌ها به نحوی اتخاذ گردند که تعاملات علمی و کاربردی داخلی و بین‌المللی دانشگاه‌ها تسهیل شوند. مدیران دانشگاه آزاد اسلامی باید خود را برای پاسخگویی به مشتریان تجهیز کنند، ضمن بین المللی و جهانی بودن و استفاده از تجارب علمی دیگر کشورها، هویت فرهنگی- مذهبی خود را حفظ کنند، فرایندهای اداره دانشگاه را مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات تغییر دهند و با توجه به افزایش حجم فعالیت دانشگاه، به مدیریت زمان همت گمارده، برنامه‌های راهبردی، تدوین و مبتنی بر آن اقدام کنند.

با توجه به نتایج پژوهش و اهمیت کارکرد هر یک از شاخص‌های علّی مرتبط با پاسخگویی، پیشنهاد می‌شود:

- بازنگری در شیوه‌های پذیرش دانشجو (از لحاظ کمّی و کیفی)

- به‌کارگیری و استقرار نظام شایسته‌سالاری به جای نظام رابطه‌مداری در استخدام‌ها و انتصاب‌ها

- به‌منظور افزایش انگیزش و ایجاد رضایت شغلی، اعطای تسهیلات و امکانات و پرداخت حقوق و مزایا به کارکنان و مخصوصاً به اعضای هیئت علمی همانند دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی طبق ضوابط و معیارهای مورد عمل وزارت، تحقیقات و فناوری صورت گیرد.

- انجام نیازسنجی مستمر برای تشخیص به روز و دقیق نیازهای ذی‌نفعان دانشگاه‌ها و برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه بر مبنای آن.

- تأسیس نهادی برای رصد وضعیت پاسخگویی دانشگاه‌ها در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- ساختار آموزش عالی و ساختار دانشگاه‌ها با هدف اعطای اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها تغییر یابد.

- ایجاد الگوی مشخصی برای پاسخگویی واحدهای دانشگاهی متناسب با مقتضیات استانی

- توجه به میزان پاسخگویی واحدهای دانشگاهی به نیازهای ذی‌نفعان در تأمین و تخصیص منابع به دانشگاه‌ها با ایجاد جو رقابتی و اتخاذ سیاست‌های انگیزشی

- در این راستا بهبود کارایی و افزایش بهره‌وری مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌ها از طرق اصلاح مدیریت، مقررات، ارزیابی و نظارت علمی و اقتصادی آنها، توسعه شبکه اطلاع‌رسانی تخصصی، طرح ساماندهی نظام آمار و اطلاعات و مطالعات پایه‌ای برای ارتقای بهره‌وری دانشگاه‌ها بسیار مؤثر می‌باشد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

۷- منابع

آراسته، حمیدرضا؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ همایی، رضا. (۱۳۸۷). وضعیت دانشگاه‌های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه دانشجویان. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۴ (۴)، ۴۷-۶۶.

اکبری، پیمان (۱۳۸۹). نقش و اهمیت بهره‌وری. *فصلنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، شماره ۲۷۹.

پورعابدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). طراحی مدل چیره‌دستی در سازمان‌های علمی و فناورانه بر مبنای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (مطالعه موردی: جهاد دانشگاهی). *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۸(۱)، ۵۴-۳۳.

توفیقی، جعفر؛ فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۱). لوازم ساختاری توسعه علمی در ایران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۸(۳)، ۱-۳۶.

جعفری، پریوش؛ احمدی، امینه. (۱۳۸۹). بررسی نقش آموزش عالی در اقتصاد دانش به منظور ارائه مدل مناسب. *مجله پژوهش‌های مدیریت*، شماره ۸۷، ۱۳۴-۱۱۳.

خورشیدی، عباس؛ مهدوی، مهدی؛ سلمانی قهیازی. (۱۳۸۷). عوامل و شاخص‌های مؤثر بر بهره‌وری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. *نشریه پژوهش در نظاهای آموزشی*، ۲(۵)، ۱۰۰-۷۵.

داداش کریمی، یحیی؛ میرسپاسی، ناصر؛ نجف‌بیگی، رضا. (۱۳۹۸). طراحی مدل حکمرانی در آموزش عالی کشور. *فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۷(۲۷)، ۱۱-۲۸.

دباغ، رحیم. (۱۳۹۰). مقایسه بهره‌وری پژوهشی با بهره‌وری کل در دانشگاه‌های منتخب دولتی. *نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۶ (۴۷)، ۱۰۴-۷۵.

رضائیان، مجید؛ توکل کوثری، محمدعلی؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم. (۱۳۹۶). تحلیل چالش‌های فراروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی ایران. *فصلنامه آموزش عالی ایران*، ۸(۱)، ۹۱-۷۲.

سمیعی‌راد، فاطمه؛ قاسمی، زهرا. (۱۳۹۳). پاسخگویی پژوهشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین. *مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۷(۱۴)، ۵۹-۷۱.

شریعتی، فرهاد؛ امین بیدختی، علی‌اکبر؛ نجفی، محمود. (۱۳۹۸). ارائه مدلی جهت بهبود کیفیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای: با توجه به الزامات اقتصاد مبتنی بر دانش. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۳ (۴۷)، ۴۱-۵۴.

صادقی، علیرضا؛ هدایتی، اکبر؛ میثاقی‌فر، الهه. (۱۳۹۶). شناسایی حوزه‌ها، ابعاد و نشانگرهای کیفیت نظام تربیت معلم ایران. *فصلنامه پژوهش در تربیت معلم*، ۱ (۲)، ۸۷-۱۰۷.

صدقی‌بوکانی، ناصر؛ سید عباس‌زاده، میرمحمد؛ قلعه‌ای، علیرضا؛ مهاجران، بهناز؛ باقری مجد، روح‌اله. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری و ارتقای کیفیت مراکز و واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۲. *نشریه مدیریت بهره‌وری*، ۸(۲۹)، ۱۴۲-۱۱۹.

عارفی، محبوبه؛ خرسندی یامچی، اکبر. (۱۳۹۱). ارزیابی درونی ضرورت پاسخگویی دانشگاه‌ها. *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*، ۱۴ (۵۳)، ۱۵۳-۱۳۱.

عباسپور، عباس؛ شاکری، محسن؛ رحیمیان، حمید؛ فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۳). تحقیق کیفی پیرامون راهبردهای پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی. *نشریه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱ (۳)، ۱-۲۷.

فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۷). آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران؛ مدلی برآمده از نظریه مبنایی (GT). *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی درآموزش عالی*، ۴ (۵۰)، ۶۷-۹۵.

کوربین، جولیت؛ اشتراوس، آنسلم. (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.

کیانی، ندا؛ رادفر، رضا. (۱۳۹۴). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر بهره‌وری با استفاده از مدل دیماتل. *نشریه مدیریت بهره‌وری*، ۹ (۳۵)، ۱۳۰-۱۱۱.

کیخا، احمد؛ عبداللهی، حسین؛ خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت بخشی آموزش از دیدگاه متخصصان آموزش عالی و دانشجویان دکتری. *فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۲ (۲۲)، ۱۵۱-۱۸۲.

لطفی، محمدرضا. (۱۳۸۹). اولویت‌بندی و تعیین مهمترین عوامل آموزشی مؤثر بر بهره‌وری دانشگاه‌ها به روش تصمیم‌گیری گروهی. *فصلنامه مدیریت*، ۷ (۲۰)، ۴۹-۶۱.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]

ملکی‌نیا، عماد؛ ملکی‌نیا، زهرا، فیضی، صدیقه. (۱۳۹۷). راهبردهای مورد نیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن، *نشریه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۶(۲۴)، ۵۴۵-۵۱۸.

میلانی، امید؛ قاسمزاده، ابوالفضل؛ حسنی، محمد. (۱۳۹۵). استقلال دانشگاه و رابطه آن با پاسخگویی و تضمین کیفیت خدمات دانشگاه در سیستم آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۲(۷)، ۱۴۷-۱۶۷.

هادی، رضا؛ رضاپور، یوسف؛ سلمان‌پور، صدیقه. (۱۳۹۵). شاخص‌های سنجش کیفیت آموزش عالی براساس مدل کانو در دانشگاه ارومیه. *فصلنامه آموزش و ارزشیابی*، ۹(۳۴)، ۳۵-۵۰.

Benway, D. G., Jordan, J., & Rosell, S. E. (2008). *Factors influencing accountability systems: A problem based analysis of the implementation of No Child Left Behind*. Saint Louis University.

Brown, T. A. (2006). *Confirmatory factor analysis for applied research*. New York: The Guilford Press.

Burke, J. C. (2005). *Achieving accountability in higher education: Balancing public, academic, and market demands*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.

Cutt, J., & Murray, V. (2000). *Accountability and effectiveness evaluation in nonprofit organizations*. Routledge.

Dee, J. (2006). Institutional autonomy and state-level accountability: Loosely coupled governance and the public good. *Governance and the public good*, 133-155.

Fain, P. (2019). *Report on Accountability and Higher Ed's 'Triad'*. Latest News on Coronavirus and Higher Education.

Goff ,John M. (2000). A More Comprehensive Accountability Model. Ohio University, pp. 2-3

Kayode, D. J., & Naicker, S. R. (2019). An investigation into issues impeding higher education effectiveness in public universities. *mojem: Malaysian Online Journal of Educational Management*, *8*(1), 58-81.

Kayode, D. J., & Naicker, S. R. (2019). An Investigation Into Issues Impeding Higher Education Effectiveness In Public Universities. *MOJEM: Malaysian Online Journal of Educational Management*, *8*(1), 58-81.

Kelchen, R. (2018). *Higher education accountability*. JHU Press.

Lizzio, A., & Wilson, K. (2009). Student participation in university governance: the role conceptions and sense of efficacy of student representatives on departmental committees. *Studies in Higher Education*, *34*(1), 69-84.

Manes-Rossi, F., Christiaens, J., & Aversano, N. (2020). Accountability through intellectual capital disclosure in Italian Universities. *Journal of Management and Governance*, 1-33.

Nicolo,Giuseppe; Manes-Rossi, Francesca ; Christiaens, Johan & Aversano, Natalia (2020). Accountability through intellectual capital disclosure in Italian Universities. *Journal of Management and Governance*. Vol 155.

Potocan, V., Alfirevic, N., & Nedelko, Z. (2020). How Personal Values Affect Social Responsibility in Higher Education Institutions. In *Recent Advances in the Roles of Cultural and Personal Values in Organizational Behavior* (pp. 102-127). IGI Global.

Romzek, B. S. (2000). Dynamics of public sector accountability in an era of reform. *International review of administrative sciences*, *66*(1), 21-44.

Rothchild, M. T. (2011). Accountability mechanisms in public multi-campus systems of higher education.

Speziale, M. T. (2012). Differentiating higher education accountability in the global setting: a comparison between Boston University and University Of Bologna. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *47*, 1153-1163.

Stensaker, B., & Harvey, L. (Eds.). (2010). *Accountability in higher education: Global perspectives on trust and power*. Routledge.

Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications.

Tripathi, M., & Jeevan, V. K. J. (2009). Quality assurance in distance learning libraries. *Quality Assurance in Education*.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.7.9]